

دکتر عباس معدن‌دار آرانی رئیس هیئت مدیره انجمن مطالعات تطبیقی
آموزش و پرورش ایران:

عملکرد آموزش و پرورش

از سایر نهادهای اجتماعی بهتر است

گفت‌وگو: نصرالله دادار
عکاس: غلامرضا بهرامی



از حرف و حدیث‌هایی که امروز در جامعه ما زیاد به گوش می‌رسد، مقایسه نظام آموزشی ایران با نظام‌های آموزشی پیشرفته دنیاست.

مقایسه‌ای که اگرچه در جای خود امری ضروری و مبارک است؛ اما به گفته متخصصان تعلیم و تربیت تطبیقی، نوعاً از روش‌های علمی تبعیت نمی‌کند و بیشتر دچار عوام‌زدگی است و به همین دلیل هم برای نظام آموزشی کشور خیلی مفید واقع نخواهد شد؛ شاید هم موجب یأس و ناامیدی در نظام آموزشی کشور گردد.

در این زمینه گفت‌وگویی با دکتر عباس معدن‌دار آرانی، رئیس هیئت مدیره انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران، انجام داده‌ایم که در ادامه خواهید خواند.

دکتر عباس معدن‌دار آرانی، دکترای آموزش و پرورش تطبیقی و فوق دکترا از دانشگاه هنگ‌کنگ و عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان است.

ایشان معتقد است: آموزش و پرورش ایران نسبت به بودجه‌ای که دریافت می‌کند و تعداد مخاطبان و حجم کارکنانی که دارد، عملکردش نسبت به سایر نهادهای اجتماعی کشور خیلی بهتر است و یک بخش از رسالت وزیر آموزش و پرورش این است که قسمتی از هزینه‌های دولت در سایر نهادهای اجتماعی را جذب آموزش و پرورش کند تا بتوان برای حضور بیشتر دانش‌آموزان در مدارس برنامه‌ریزی کرد؛ زیرا با این کار، میزان آسیب‌های اجتماعی در کشور کمتر خواهد شد.

← انجمن آموزش و پرورش تطبیقی

ایران با چه اهدافی تأسیس شده است؟ این تشکل اولین انجمن آموزش و پرورش تطبیقی است که بعد از ۳ تا ۴ دهه از توسعه علوم تربیتی در ایران، در حوزه آموزش و پرورش تطبیقی تأسیس شده است.

اهداف آن هم، در مرحله نخست، توسعه دانش و علم آموزش و پرورش تطبیقی است.

هدف بعدی انجمن، آشنایی با طرز برخورد سایر کشورها با چالش‌های آموزش و پرورش و آشنایی با نوآوری‌های آموزشی آن کشورهاست.

هدف دیگری که انجمن دنبال می‌کند انعکاس موفقیت‌های نظام آموزشی ایران در صحنه بین‌المللی است.

احساس من این است که در فضای آموزشی ایران معلمان ما توانایی انجام خیلی از کارها را دارند و سایر کشورهای دنیا طالب دانستن چگونگی موفقیت ایران در این کارها هستند. در حقیقت این گونه نیست که موضوع یک‌طرفه باشد و ما هیچ درسی برای آموزش به سایر کشورها نداشته باشیم.

← این انجمن تا به حال به مطالعات و

فعالیت‌هایی بر روی آموزش و پرورش دنیا انجام داده است؟

انجمن ما یک انجمن تازه تأسیس است. ما عمده وقتمان را در دو سال گذشته، به زیربناسازی اختصاص داده‌ایم. خرید سایت، معرفی انجمن به پژوهشگران علوم تربیتی - روان‌شناسی در ایران، گرفتن مجوز اولین فصل‌نامه علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش به زبان انگلیسی از وزارت علوم و برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی در آذرماه ۱۳۹۶ در دانشگاه لرستان بخشی از فعالیت‌های انجمن در دو سال گذشته است.

← آقای دکتر! اساساً مطالعات تطبیقی

آموزش و پرورش بر چه اصول و مبنایی انجام می‌شود و در این کار چه روش‌هایی اصالت دارند؟

باید توجه داشت که اساساً آموزش

تطبیقی در ایران دانش ضعیفی است. به دلیل اینکه متخصصان این رشته در ایران بسیار کم‌اند. در عین حال تعداد پژوهشگران علوم تربیتی که به کار تطبیقی علاقه‌مند هستند بسیار زیاد است. یعنی تقاضا برای این علم وجود دارد ولی عرضه کم است، لذا ما چالش‌های اساسی در زمینه روش‌شناسی علم آموزش و پرورش تطبیقی داریم.

ساده‌تر بگوییم ما در بحث روش تحقیق چالش و مشکل داریم و یکی از کارهایی که انجمن آموزش و پرورش تطبیقی انجام داده است، برگزاری کارگاه در دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و

هدف انجمن

آموزش و پرورش تطبیقی
ایران، توسعه دانش و علم
آموزش و پرورش تطبیقی،
آشنایی با طرز برخورد
سایر کشورها با چالش‌های
آموزش و پرورش است

در مؤسسه مطالعات علوم انسانی و علوم اجتماعی برای حل این چالش و مشکل است.

پس اولین کاری که باید انجام بدهیم و احساس می‌کنم رسالت انجمن است، این است که محققان علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران را با چگونگی انجام درست تحقیقات تطبیقی آشنا کنیم.

← نظر شما، به عنوان یک متخصص

مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش، درباره نظام آموزش ایران چیست؟

اگر نظام آموزشی ایران را در سطح بین‌المللی در نظر بگیریم، شکست خورده نیست به این دلیل که طبق آمار یونسکو، ایران در بین ۱۸۸ کشور جهان، معمولاً رتبه‌اش بین ۹۰ تا ۱۱۰ است. یعنی ما خیلی از معیارهای بین‌المللی را کسب کرده‌ایم البته نمره خوبی هم نداریم.

اما، به نظر من، اگر در سطح ملی در نظر بگیریم، بین نهادها و وزارتخانه‌های موجود در ایران، نظام آموزشی ایران بالاترین نمره را کسب می‌کند. ولی باز همه این‌ها جای بحث دارد. به عنوان مثال، اگر از منظر اجتماعی نگاه کنیم و آسیب‌های اجتماعی را در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم آموزش و پرورش به عنوان تربیت‌کننده انسان در ایران موفق نبوده است. وقتی می‌بینید کشوری مانند هند با بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت فقط ۱۵ میلیون پرونده در دادگاه‌ها دارد و کشور ما با ۸۰ میلیون جمعیت، ۱۵ میلیون پرونده در دادگاه‌ها دارد نشان‌دهنده این است که یک جای کار نظام آموزشی ما می‌لنگد. اما اگر از نظر فردی نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم سالیانه ۱۵۰ هزار فرد متخصص تربیت شده داریم که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و تمام این مغزهای رفته محصول همین نظام آموزشی هستند، پس می‌توانیم بگوییم درخت نظام آموزشی ایران میوه‌های خوبی می‌دهد.

یکی از تحقیقات خیلی خوبی که در سال ۲۰۱۵، توسط نشست جهانی اقتصاد در داووس در زمینه شاخص‌های رقابت جهانی انجام شده، ده شاخص را در زمینه رقابت جهانی بررسی کرده بود که عبارت بود از ۱. نهادسازی و نوآوری، ۲. اندازه بازار، ۳. آمادگی تکنولوژیکی کشورها، ۴. توسعه بازار مالی، ۵. کارایی بازار کار، ۶. حجم و سالیان بازار کالا، ۷. آموزش عالی، ۸. بهداشت، ۹. آموزش ابتدایی و ۱۰. محیط کلان اقتصادی. وقتی این موارد را بررسی می‌کنیم، ۲ تا ۳ مورد از این شاخص‌ها به آموزش و پرورش مربوط و بقیه موارد به سایر نهادهای اجتماعی مربوط می‌شود و آن‌ها هستند که دچار کاستی‌اند. درست است که آموزش و پرورش برای سایر نهادها نیروی انسانی تربیت می‌کند، اما اینکه بعدها در آن نهادها چه اتفاقی برای این نیروها می‌افتد که کارایی لازم را ندارند، دیگر نظام آموزشی مقصر نیست، بلکه آن نهاد یا سازمان مقصر است.

می‌خواهم بگوییم که تنها یک شاخص



نمی‌تواند ملاک خوبی برای ارزیابی و سنجش باشد.

این شاید یک بخش از رسالت ما در انجمن آموزش و پرورش تطبیقی باشد که بگوییم نظام آموزش و پرورش ایران نسبت به نهادهای اجتماعی دیگر عملکرد خوبی داشته است و دارد. ما نباید دچار خودباوری افراطی و خودباختگی یا خودکم‌بینی افراطی شویم. به نظر من، آموزش و پرورش ایران نسبت به بودجه‌ای که می‌گیرد و تعداد دانش‌آموزان و حجم کارکنان و معلمانی که دارد عملکردش نسبت به نهادهای اجتماعی دیگر کشور خیلی بهتر است و این مغفول مانده است.

← مدتی است که در جامعه ما، نظام آموزشی کشور با نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر مانند ژاپن، فنلاند و ... مقایسه می‌شود و نتیجه‌گیری می‌کنند که نظام آموزشی ما نسبت به این کشورها خیلی عقب است. به نظر شما این نوع مقایسه‌ها تا چه اندازه درست و علمی است؟

در مطالعات تطبیقی، در امر پژوهش، چهار استراتژی متفاوت وجود دارد. یکی از این استراتژی‌ها این است که نظام‌های مشابه را که نتایج مشابهی دارند با یکدیگر مقایسه کنیم.

استراتژی دوم آن است که نظام‌هایی را که مشابه هستند ولی نتایج متفاوت دارند با یکدیگر مقایسه کنیم. به عنوان مثال می‌توانیم نظام آموزشی ایران و جمهوری آذربایجان را با همدیگر مقایسه کنیم که مشابهت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی دارند ولی از جهت نتایج با هم متفاوت هستند.

استراتژی سوم این است که نظام‌های آموزشی متفاوت را که نتایج یکسانی دارند با یکدیگر مقایسه کنیم. به عنوان مثال ایران و شیلی را با همدیگر مقایسه کنیم. ما دو کشور هستیم با فاصله جغرافیایی زیاد از یکدیگر که فاصله مذهبی، اجتماعی و تاریخی فراوان هم با همدیگر داریم و وجه اشتراکمان بسیار کم است. ولی از نظر نتایج آموزش با همدیگر مشابهت‌هایی داریم. دو نظام آموزشی که با همدیگر متفاوت است ولی نتایج یکسانی دارند.

استراتژی چهارم این است که نظام‌های

طبق آمار یونسکو، رتبه نظام آموزشی ایران در بین ۱۸۸ کشور جهان، معمولاً بین ۹۰ تا ۱۱۰ می‌باشد. یعنی خیلی از معیارهای بین‌المللی را کسب کرده‌ایم ولی نمره خوبی هم نداریم

آموزشی متفاوت را که نتایج متفاوتی هم دارند با یکدیگر مقایسه کنیم؛ مثل همین فنلاند و ایران که شما گفتید. اتفاقاً در ایران بیشتر محققان و اکثر کسانی که علاقه‌مند به تحقیقات تطبیقی به صورت تخصصی نیستند ولی از طریق تأثیر تکنولوژی‌هایی مثل اینترنت و تلگرام با بحث پیشرفت کشورهای دیگر عمدتاً اروپایی آشنا شده‌اند، استراتژی چهارم را انتخاب می‌کنند ولی ما این استراتژی را اصلاً قبول نداریم. می‌توان گفت از لحاظ انتخاب یک محقق، هر محقق باید در مرحله اول نظام‌های آموزشی‌ای را انتخاب کند که هم مشابهت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی دارند و هم نتایج نظام‌های آموزشی‌شان با

هم شبیه است.

در مرحله اول باید این روش را انتخاب کند. در مرحله و گام دوم باید نظام‌های آموزشی را که با هم شبیه هستند ولی نتایجشان متفاوت است.

ما باید ترکیه را بررسی کنیم که نزدیک ماست و قرابت‌های زیادی با آن‌ها داریم. ولی متأسفانه در ایران روال عکس است و به سراغ استراتژی چهارم می‌روند و این یکی از نقص‌هایی است که ما در چالش‌های روش‌شناختی تحقیقات تطبیقی در ایران با آن مواجه هستیم و باید آن را رفع کنیم.

← برای اینکه در مقایسه با سایر کشورها، دچار خودکم‌بینی افراطی یا خودباوری افراطی نشویم چه پیشنهادی دارید؟

اولین موضوعی که احساس می‌کنم باید انجام شود این است که مطالعات تطبیقی را هر چه بیشتر علمی کنیم و آن را از حالت عوام‌زدگی خارج سازیم.

امروز یک مشکلی که نظام آموزشی ایران دارد این است که خیلی از حملات به نظام آموزشی کشور توسط خود متخصصان تعلیم و تربیت، که باید پاسخگو باشند، صورت می‌گیرد. بسیاری از این متخصصان نه تنها خودشان پاسخگوی



در کتابی که ویراستار آن بودم، خواندم که معلم ابتدایی در فنلاند در حیاط مدرسه ایستاده است و دانش‌آموزان با متر قد او را اندازه می‌گیرند.

دیدگاه دیگر، کره جنوبی است که زمانی تراکم جمعیت آن در کلاس به ۶۰ دانش‌آموز می‌رسید. شاید امروزه به ۴۵ تا ۵۰ نفر در هر کلاس رسیده است.

جمعیت کره جنوبی ۸۰ میلیون نفر است (برابر کشور ما) ولی مساحت آن شاید به اندازه استان همدان ما باشد. ولی همین کشور در آزمون‌های بین‌المللی رتبه خوبی کسب می‌کند.

اگر از من به‌عنوان یک تطبیق‌گر پرسند که کدام یک از این دو کشور (فنلاند و کره جنوبی) را برای ایران ملاک قرار می‌دهید، در پاسخ خواهیم گفت: کشور کره جنوبی را ملاک قرار می‌دهم.

سخت‌گیری آموزشی هم بیشتر شود. اگر ما بخواهیم مانند فنلاند بچه‌ها را آزاد بگذاریم، مانند همان تجربه «دیویی» خواهد شد که مدرسه پیشرو را بنا نهاد و خودش فهمید که اجرایی نیست و آن را تعطیل کرد. با وجود آنکه تعالیم دیویی بسیار زیبا بود اما در عمل دچار مشکل شد.

الان نظام آموزشی ایران از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، فقط چهار ساعت، بچه‌ها را در اختیار دارد و بچه‌ها بیشتر اوقاتشان را در کنار والدین سپری می‌کنند؛ تازه ما همه آسیب‌های اجتماعی را هم متوجه آموزش و پرورش می‌کنیم.

از والدین می‌پرسم از ساعت ۱۳ تا ۲۴ شب که بچه‌ها در منزل هستند، چه برنامه‌ای برای فرزندتان دارید؟ می‌گویند: یک ساعت درس می‌خوانند و بقیه آن را صرف بازی‌های کامپیوتری یا سرچ اینترنتی می‌کنند. طبیعی است که این همه بیکاری در خانه آسیب اجتماعی ایجاد می‌کند. با این وضع چرا باید حجم کتاب‌های درسی را کم کنیم؟ آیا باید با وجود این همه ساعت بیکاری باز هم وقت فراغت بیشتری در اختیار بچه‌ها بگذاریم و کاری کنیم که آزادتر باشند؟ من می‌گویم آموزش را کره‌ای کنیم. دانش‌آموز از صبح به مدرسه برود و تا ساعت ۶ بعد از ظهر در مدرسه بماند.

بسیاری از مادران در تابستان‌ها دعا می‌کنند که ای کاش هر چه زودتر مهرماه بیاید تا فرزندانشان به مدرسه بروند. زیرا از بودن فرزندشان در خانه یا آپارتمان خسته و عصبی می‌شوند.

به‌نظر من یک بخش از رسالت وزیر آموزش و پرورش این است که قسمتی از هزینه‌های دولت در سایر نهادهای اجتماعی را جذب آموزش و پرورش کند تا بتوان برای حضور بیشتر بچه‌ها در مدارس برنامه‌ریزی کرد. با این کار میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه کمتر خواهد شد. زیرا می‌توان از این طریق، بسیاری از بزهکاری‌های کوچک و بزرگی را که در نوجوان و جوان وجود دارد، برطرف کرد.

← آقای دکتر معدن‌دار، از اینکه وقت خود را در اختیار مجله رشد معلم قرار دادید، متشکریم.

اولین کاری که باید انجام شود این است که مطالعات تطبیقی را هر چه بیشتر علمی کنیم و از حالت عوام‌زدگی خارج کنیم

مشکلات نیستند بلکه فقط نقش منتقد را بازی می‌کنند که این خودش یک معضل و مسئله است. در صورتی که اولین چیزی که باید ملاک قرار گیرد علمی کردن مطالعات تطبیقی است.

دوم تأکید بر معیارها یا شاخص‌ها و نشانگرهایی است که مورد قبول دنیاست. مثلاً نسبت دانش‌آموز به معلم یک شاخص است که در هر جای دنیا می‌فهمند و آن را قبول دارند و ما باید همین شاخص را ملاک قرار دهیم. مثلاً در امارات متحده عربی، در مقابل هر پنج دانش‌آموز یک معلم دارند و در کشور ما در مقابل هر ۱۷ یا ۱۸ دانش‌آموز یک معلم وجود دارد. البته به‌نظرم شاخص ما خوب است و در این شاخص ۱۲۰ کشور بعد از ما هستند.

← یکی دیگر از انتقاداتی که به نظام آموزشی ما می‌شود، بالا بودن حجم و محتوای کتب درسی است و می‌گویند محتوای کتب درسی ایران نسبت به سایر کشورها زیاد است. نظر شما در این باره چیست؟

در اینجا دو نوع نگاه و یا سیاست وجود دارد. یک نگاه، نگاه کره جنوبی است و دیگری نگاه فنلاند است. نگاه فنلاند آموزش همراه با بازی است.